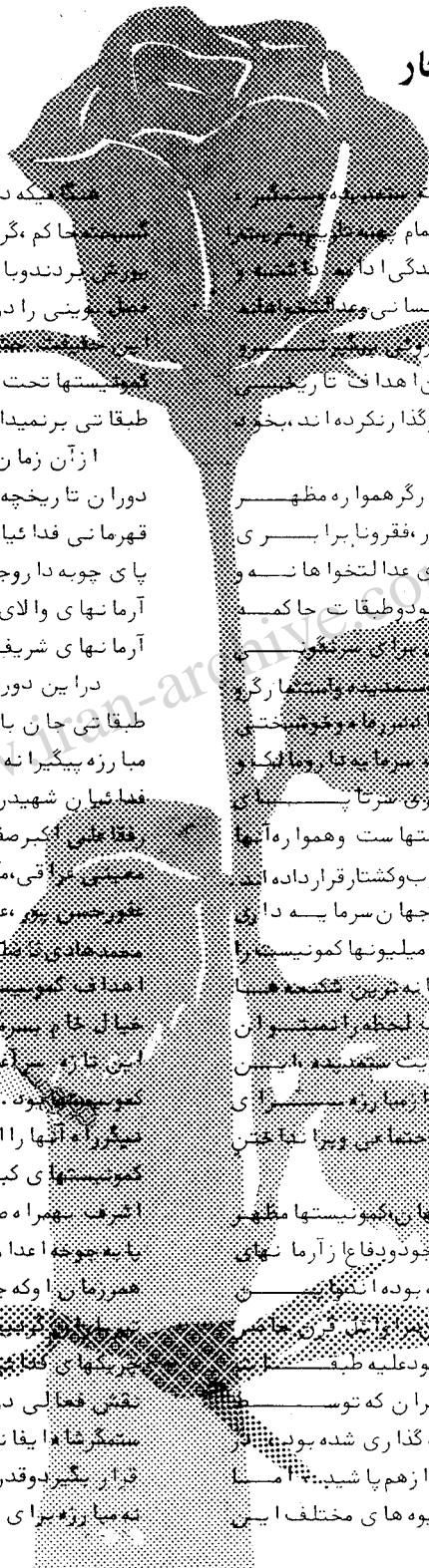


شهدای فدائی

جاودان باد خاطرهٔ پرافتخار



هنگامی که در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ علیرغم دیکتاتور و اختناق افسار-
گرفته رژیم پهلوی، گروهی از انقلابیون کونیست مسلحانه به پاسگاه سیا هکل
پورین بردند و پایانه گذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
همچون بومب را در مبارزه کونیستهای ایران علیه نظم موجود گشودند،
ایران علیه رژیم پهلوی بر طبقات ارتجاعی حاکم نیز روشن شد که
کونیستها تحت هیچ شرایطی دست از مبارزه پیگیرانه خود علیه نظام
طبقاتی برنمیدارند.

از آن زمان تاکنون حدود بیست سال گذشته است و طی تمام این
دوران تاریخچه سازمان ما مشحون است از فداکاری، از خودگذشتگی و
فهرمانی فدائیان که حتی در زندان، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها و در
پای چوبه دار و جوخه آتش ایمان خلل ناپذیر خود را به طبقه کارگر و
آرمانهای والای این طبقه نشان دادند و محکم و استوار از اهداف و
آرمانهای شریف و انسانی کونیستی خود دفاع نمودند.

در این دوران صدها فدائی خلق در نبرد مسلحانه رویاروی با خصم
طبقاتی جان باختند و صدها تن دیگر به جوخه اعدام سپرده شدند، اما
مبارزه پیگیرانه ترا دامه یافت و صدها هزاران فدائی دیگر راه
فدائیان شهید را ادامه دادند. در همان نخستین روزهای حیات سازمان
فدائیان اکبر صفائی قراهای، جلیل انفرادی، محمد رحیم سما سی،
محمدرحیم عراقی، محدث قندچی، هوشنگ نیری، فرهودی، سیف دلیل صفائی،
غفور رحیم نوری، عباس دانش بهزادی، اسحاقی، مشیدی، بنده خدالنگرودی،
محمد هادی، فدائیان قهرمانانه در برابر دشمن طبقاتی ایستادند، از آرمانها و
اهداف کونیستی خود دفاع کردند و جان باختند. مرتجعین در این
خیال غلط بسرقت شدند که دیگر استادگی و مقاومت یاران گرفت، اما
این مبارزه بی آغاز و مرحله نویسی از جبهه آفرینی، فهرمانی و ایثارگری
کونیستها بود. مبارزه در سرا سراسر ایران گشودن یافت و صدها کونیست
مبارزه آنها را ادامه دادند. رژیم شاه کشتار کونیستها را شدت بخشید.

کونیستهای کبیری همچون مسعودا حمدزاده، امیر پرویز پویان، حمید
اشرف بهمهرا، صدها فدائی دیگر در نبرد مسلحانه بشهادت رسیدند و
بنا به جوخه اعدام سپرده شدند. رفیق بیژن جزئی و شش تن دیگر از
همزمانی او که چندین سال را در اسارتگاههای رژیم سیری کرده بودند،
در زندان گرفتار شدند. اما مبارزه پیگیرانه فدائیان ادامه یافت و سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران نتوانست به عنوان یک سازمان پرهیزگزار
نقش فعالی در قیام توده های مردم ایران برای سرنگونی رژیم ظالم و
ستیزگرایان ایفا نمود. اما از آنجا که طبقه کارگر نتوانست در رأس جنبش
قرار بگیرد و قدرت را به چنگ آورد نه دمکراسی در ایران برقرار گردید و
نه مبارزه برای تحقق اهداف طبقاتی و تاریخی کارگران پایان گرفته

از همان هنگام که جامعه طبقاتی به همراه طبقاتی کونیست و استعمارگر و
استثمارگر و استثمار شونده پدید آمد و مبارزه طبقاتی تمام جبهه های
فرا گرفت، همواره مبارزه علیه ظلم وستم، استثمار و رنجی ادامه یافت و
میلیونها انسان شریف، جان خود را بخاطر اهداف انسانی و عدالتخواهانه
از دست دادند. اما تاریخ هرگز در این مبارزه پیگیرانه و بی پایان کونیست
فداکارتر از کونیستها که برای پیشبرد انسانی ترین اهداف تاریخی بشریت
ستمیدیده از هیچ تلاش و از خودگذشتگی فروگذار نکرده اند، بخواب
ندیده است.

کونیستها بعنوان بخش پیشرو و آگاه طبقه کارگر همواره مظهر
پیشرو مبارزه آشتی ناپذیر علیه هرگونه ستم، استثمار، فقر و نابرابری
اجتماعی و سمبل عالی ترین و ناب ترین آرمانهای عدالتخواهان و
بشر دوستانه بوده اند. آنها هیچگاه در برابر نظم موجود طبقاتی حاکمه
ستمگرو استعمارگر تمکین نکرده و با پیگیری بی سستی برای سرنگونی
طبقات حاکمه و بنای جامعه نوینی کبیر این دیگر ستمگرو ستمدیده و استثمارگر
استعمار شونده وجود نداشته یا شش ماه بر زمین از مبارزه با موجودی
بسربرد، مبارزه کرده اند. از همین روست که طبقاتی سرمانه کار و مالک و
همه پاداران و مدافعین نظام طبقاتی سرمانه داری سر تا پستی
وجودشان انباشته از کینه و نفرت نسبت به کونیستهاست و همواره آنها
را در معرض شدیدترین بیگردها و بیرحمانه ترین سرکوب و کشتار قرار داده اند.
به گواه تاریخ دو قرن اخیر، بورژوازی در تمام جهان سرمانه داری
از آمریکا گرفته تا اروپا و آفریقا تا آسیا و قیا نوسیه میلیونها کونیست را
کشتار کرده اند، به زندان انداخته و در معرض وحشیانه ترین شکنجه ها
قرار داده است. با این وجود تمام این دوران یک لحظه از منسوبان
سراغ گرفت که این متاع همین راستین آزادی بشریت ستمدیده، این
حاملین عالیترین خصال و آرمانهای طبقه کارگر را مبارزه پیگیرانه
پیروزی طبقه کارگر بورژوازی، تحقق این انقلاب اجتماعی و براندازی
نظام طبقاتی باز ایستاده باشند.

در ایران نیز همچون تمام کشورهای سرمایه داری، کونیستها مظهر
مبارزه آشتی ناپذیر و ولتاریا علیه نظم طبقاتی موجود و دفاع از آرمانهای
والای کارگران و همه توده های زحمتکش و ستمدیده بوده اند. این
حقیقت را از چنان فداکار کبیر کونیستها که در تمام قرن حاضر
پیرو گذارند شدت مبارزه پیگیرانه و آشتی ناپذیر خود علیه طبقه
ارتجاعی حاکم نشان داده اند. حزب کونیست ایران که توسط
پیشروترین و آگاه ترین بخش کارگران ایران پایه گذاری شده بود، در
نتیجه سرکوبهای وحشیانه مرتجعین حاکم بر ایران از هم پاشید. اما
کونیستها دست از مبارزه برنداشتند و با شکل و شیوه های مختلف این
مبارزه را ادامه دادند.

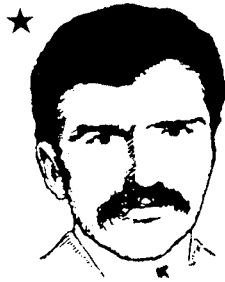
خاطره فدائیان شهید در قلب بزرگ طبقه کارگر زنده و جاوید خواهد ماند



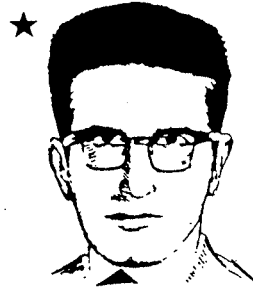
پانزده کیوترخونین، پانزده ستاره سرخ، نویدبخش پایان سکوت و بی‌عملی، نوید بخش آغاز عمل انقلابی فدائیان خلق.
پانزده فدائی خلق در ۱۹ بهمن سال ۴۹ چنان آتشی درسیا هکمل
برافروختند که درسراسرایران زبانه کشید.



رفیق علی اکبر صفائی فراهانی



رفیق هوشنگ نیری

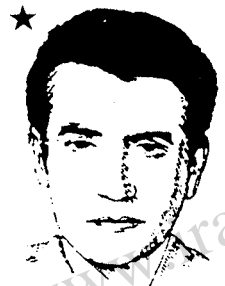


رفیق غفور حسن پوراصیل



رفیق جلیل انفرادی

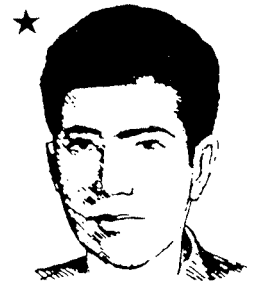
.....
جنگل شک...سافت
ویانزده ستاره خونین
بانعره های سوزان، برخاست از نهفت
ویرمدا رهای گریزان چرخید
چرخیدروی جنگل و
توفیدروی شهر
برفرق شب شکفت
.....



رفیق هادی بنده خدا لنگرودی



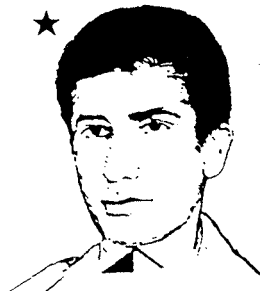
رفیق محمد هادی فاضلی



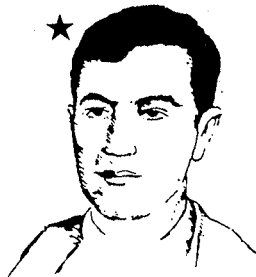
رفیق مهدی اسحاقی



رفیق اسکندر رحیمی



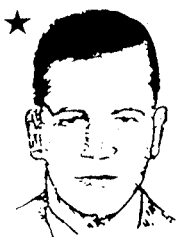
رفیق محمد رحیم سمائی



رفیق شعاع الدین مشیدی



رفیق احمد فرهودی



رفیق محمدعلی محدث قندچی



رفیق عباس دانش بهزادی



رفیق اسماعیل معینی عراقی



رفیق ناصر سیف دلیل صفائی



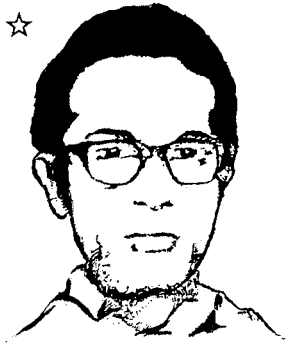
هجده سال پیش در سحرگاه یازدهم اسفندماه ۱۳۵۰ دژخیمان رژیم سلطنتی قلب تپنده رفیق کبیر مسعود احمدزاده یکی از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، عضو کمیته مرکزی و از برجسته ترین پایه گذاران سنت مبارزه قهرآمیز را بهمراه ۹ رزمنده فدائی دیگر آماج گلوله های سرمایه قرار دادند. قلب توفنده ای که درماندگی و بی عملی گروه هاومحافل روشنفکری دهه چهل را با تئوری انقلابی و خروش رعدآسای عمل انقلابی در هم کوید و ننگ خیانت حزب توده علیه کارگران و زحمتکشان ایران را باخون خود و همزمانش از ذهن توده ها زدود.

خشم و نفرت انقلابی مسعود علیه نظام سرمایه داری، عشق و علاقه عمیق او به طبقه کارگر و آرمان رها نیکیش او و سوسیالیسم و عزم بیولادین



سی ام فروردین ماه ۱۳۵۴ روزنامه های عصررژیم پهلوی خبر کوتاهی را منتشر ساختند که در آن اعلام شده بود "۹ زندانی در حین فرار کشته شدند". این خبر ساختگی، حاکی از فاجعه شومی بود که طی آن یکی از بنیانگذاران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و از رهبران برجسته جنبش کمونیستی ایران، رفیق کبیر بیژن جزنی بهمراه ۶ فدائی دیگر به شهادت رسیده اند.

رفیق بیژن جزنی نزد همه کسانی که اندک آشنائی با مسائل جنبش کمونیستی ایران در دهه اخیر داشتند، و برای انقلابیون سراسر ایران و جهان چهره ای آشنا بود. رفیق بیژن فعالیت سیاسی خود را از همان دوران پرتلاطم جنبش انقلابی ایران در سالهای ۳۲ و از سن ده سالگی آغاز کرد و در طول بیش از دودهمه تجارب گرانقدری کسب نمود و مسیر پرمشقت و کارنامه درخشانی را پشت سر گذاشت. بیژن از همان آغاز فعالیت سیاسی تا زمانیکه بطرز وحشیانه و کین توزانه ای



اودر تحقق سازماندهی طبقه کارگر، چنان هراسی دردل دژخیمان سرمایه ایجاد نمود که رژیم شاه برای اجرای حکم اعدام او و یارانش بنمایش خیابانی دست یازید. نمایشی که بر خلاف انتظارشان، اهمیت پیدایش فدائی را بگوش جهانیان رسانید.

رفیق مسعود با درک عمیق از موقعیت سیاسی، اجتماعی و تاریخی ایران و با شناخت واقعی از وضعیت پیشاهنگ انقلابی و تاثرات زیانبار سیاستهای رفرمیستی حزب توده، مبارزه قاطعانه ای را علیه همه و هرگونه بقای انفعالی و پاسیفیسم روشنفکری درپیش گرفت و مسیر حرکت پیشاهنگ را برای تغییر واقعیت موجود ترسیم نمود.

رفیق کبیر مسعود احمدزاده از چنان خلاقیتی برخوردار بود که جنبش نوین کمونیستی ایران کمتر کادری را همدریف او میشناسد. تغییرات واقعیات در جهت منافع طبقه کارگر، نفسی دیالکتیکی اشتباهات گذشته و مبارزه پیگیر و انقلابی در راه آرمان سرخ کارگران، این اصلی است که مسعود با پایه گذاری سنت مبارزه قهرآمیز زندگی پرافتخارش را در راه آن فدا نمود.

در تپه های اوین آماج گلوله های دژخیمان ساواک قرار گرفت، همیشه و در همه حال پیشتاز شناخت واقعیت ها و راهگشای عرصه های نوینی برای تلاشهای مجدانه در جهت احیاء سازماندهی جنبش کمونیستی ایران بود.

رفیق بیژن با تحلیل واقعیت آنچه حزب توده بود و طرد اساسی آن، وظیفه کمونیست ها را شرکت در مبارزه عملی و سازماندهی مستقل از حزب توده و در جهت نفی موجودیت آن قرار داد و با تمامی محافل که قصد جرح و تعدیل خط مشی حزب توده و احیاء مجدد آن را داشتند، مرزبندی نمود.

رفیق جزنی در هیچ شرایطی از مبارزه باز نمی ماند. پس از دستگیری و در زندان همچنان از سازماندهندگان حرکات اعتراضی و مبارزات زندان بود، در عین حال برای تدوین تئوری جنبش انقلابی تلاش فراوانی بکارگرفت. سرانجام رژیم شاه در هراس از نقش رفیق جزنی در هدایت مبارزه انقلابی، او را بهمراه ۶ رفیق فدائی به جوخه های اعدام سپرد. یاد رفیق کبیر بیژن جزنی همواره در قلب کمونیست ها زنده خواهد ماند.

سوم خردادماه ۱۳۵۰ رفیق کبیر امیر پرویز پویان یکی از رهبران و بنیانگذاران سازمان بهمراه رفیق همزمنش فدائی خلق رحمت اله پیروندیزی در حالیکه در خانه تیمی واقع در نیروی هوایی در محاصره صدها تن از نیروهای ساواک و پلیس قرار گرفته بودند، پس از یک نبرد قهرمانانه با آخرین گلوله خودزندگی سراسر شورمبارزه خویش پایان دادند و مرگ را به اسارت در دست دژخیمان ترجیح دادند.

رفیق کبیر امیر پرویز پویان فعالیت انقلابی خود را دوشادوش رفیق مسعود احمدزاده آغاز کرد و بعدها با تفاق مسعود و عباس مفتاحی به سازماندهی اولین گروه پرداخت.

رفیق پویان در آخرین اثر خود "ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء" بر لزوم مبارزه ای پیگیر و بقای رزمنده در مقابل بقای منفعل تاکید ورزید و با برخورد دیالکتیکی خود گره کور جنبش را که در غلطیدن بورژوازی در تئوری متافیزیکی محافل بود، با شناخت و در مقابل آن آلترناتیو نوینی ارائه داد. او با شناخت عینی از ضعف حرکت روشنفکران انقلابی دهه چهل، خمودگی، رکود و نخسوت و انفعال را که محصول تسلط طولانی اپورتونیسم بیکران حزب توده بر جنبش کارگری ایران بود، از هم دید و "بودن" و "بیهوده بودن" را بی رحمانه زیر تا زیانه نقد کشید و "چگونه بودن" را راه گشای حرکت انقلابیون دوران خود قرارداد. او با درک خلاق از ضرورت حضور رزمنده پیشاهنگ، سنگ بنای دیدگاه نوینی را پی افکند و در بنیان گذاری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران نقش ارزنده ای ایفاء کرد.



گرامی باد خاطره فدایی شهید رفیق قاسم سیادت



رفیق سیامک اسدیان (اسکندر) هم‌رزم رفیق حمید اشرف، هم‌سنگر رفیق دکتر اعظمی لرستانی، یکی از فرماندهان مجرب و بی نظیر نظامی سازمان، مسئول تشکیلات کردستان و عضو کمیته مرکزی سازمان، در سیزدهم آبان ۱۳۶۰ در حین انجام یک مأموریت تشکیلاتی با پاسداران سرما به در شهر آمل درگیر شد و پس از کشته و زخمی ساختن یک اکیپ گشتی دشمن، به‌همراه رفقای هم‌رزمش فدائیان خلق مسعود بربری و علیرضا صفری در یک نبرد حماسی شهادت رسید و با خون خود پرچم سرخ سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را گلگون تر ساخت.

رفیق کبیر اسکندر، در سال ۱۳۳۴ در روستای گرزگل لرستان دیده به جهان گشود. از همان دوران نوجوانی با فقر و محرومیت توده‌های زحمتکش آشنا شد و عشق عمیقی نسبت به آنان در وجودش پا گرفت. هنوز به سن ۱۸ سالگی نرسیده بود که با تمام وجودش علیه ستم و بی‌عدالتی بپا خاست و دوشا دوش رفیق شهید دکتر اعظمی لرستانی به مبارزه انقلابی روی آورد. رفیق اسکندر در سال ۱۳۵۴ مستقیماً با سازمان در ارتباط قرار گرفت و بخاطر خصائل برجسته و انقلابیش به عضویت سازمان پذیرفته شد و در کنار رهبر کبیر سازمان حمید اشرف، به فعالیت انقلابی خود ادامه داد.

رفیق اسکندر در طول زندگی مبارزاتی‌اش در دهها عملیات نظامی شرکت کرد و فرماندهی عملیات را برعهده گرفت که از آن جمله میتوان حمله مسلحانه به قرارگاه شماره ۲ پلیس تهران، حمله به کلانتری تبریز، انهدام پاسگاه لاهیجان در سال ۵۴، حمله مسلحانه به پاسگاه رودسر به حمایت از دهقانان محروم منطقه، اعدام انقلابی سرهنگ مزدور زمانی پور در مشهد در دوران رژیم شاه و عملیات حمله به ستون نظامی دشمن در دارساون در دوران رژیم جمهوری اسلامی را نام برد.

گرچه بیش از ۸ سال از شهادت رفیق کبیر اسکندر می‌گذرد لیکن هنوز هم بسادگی نمیتوان باور کرد که او از میان ما رفته است. هر لحظه تداعی خاطره‌های حماسی اسکندر، او را با تمامی پاکی و صداقت‌اش و با تمامی قدرت و مصلابت‌اش در صفوف سازمان ما زنده و مجسم می‌نماید.



را از نواحياء نمود. رفیق حمید اشرف که به نقش و اهمیت سازمان در جنبش انقلابی آگاهی داشت و ضرورت ادامه‌کاری و بقاء رزمنده آن را بمثابه یک تشکیلات کمونیستی با تمام وجود درک میکرد، در مقابل دشواری‌ها به استواری کوه می‌ایستاد و با جسارت کمونیستی شرایط لازم را برای پیشبرد حرکت سازمان مهیا میکرد.

رفیق حمید در زندگی مبارزاتی‌اش نمونه بارز یک انسان طراز نوین، انقلابی حرفه‌ای و سازمان‌نگری کاردان و ورزیده بود. او برای عموم مبارزان اسطوره‌ای بود که با بینش شگرف و توان تصمیم‌گیری و قاطعیت انقلابیش چهارده بار خط محاصره دشمن را شکست و مزدوران شاه را گیج و سردرگم بر جای نهاد. او رهبری توانا بود و ضرورت انضباط آهنین و تشکیلات انقلابی را کاملاً درک میکرد و بر لزوم پیوند با طبقه کارگر تاکید می‌ورزید.

شهادت رفیق کبیر حمید اشرف اگرچه ضایعه بزرگی برای سازمان ما و جنبش کمونیستی ایران بود، لیکن استواری، قاطعیت و ایمان سرشار او به آرمان کمونیسم و تجربیات و آموزشهای او در زمینه سازمان‌نگری و تلفیق تئوری و عمل انقلابی، برای همه مبارزین راه سوسیالیسم پایدار و جاودانه مانده است.



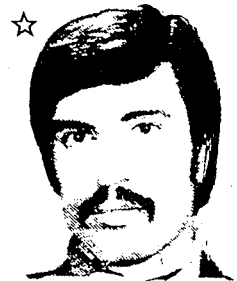
همان دوره رفیق یکبار توسط ساواک دستگیر و به یکسال حبس محکوم شد. در سال ۵۲ در ارتباط با سازمان مجدداً دستگیر شد تا شاید اطلاعاتش را از میان اعماق زخمهای بدنش بیرون بکشند، اما شکنجه‌های وحشیانه در خیمان کارساز واقع نشد و رفیق محسن اسرار نهفته در سینه پر کینه‌اش را همچنان حفظ نمود. در آن سالهای سیاه، رفیق محسن بعنوان یکی از عناصر پیشرو و کمونیست نقش بس مهمی در حفظ و گسترش روحیه مقاومت و ستیزه‌جویی در میان زندانیان سیاسی ایفاء نمود و پس از قیام همه توانا نایش را در پیشبرد خط سازمان بکار بست.

همزمان با بروز و رشد اپورتونیزم و فرمیسم در مرکزیت سازمان، محسن در رزمه نخستین رفقای بود که با خط و مرز صریح و انقلابی به طرد و افشای اکثریت خائن کمیته مرکزی پرداخت. پس از انشعاب رفیق محسن بعنوان عضو هیئت اجرائی و سپس کادر مرکزی سازمان در بازسازی تشکیلات کوشش خستگی‌ناپذیر از خود نشان داد. در کنگره اول سازمان که رفیق محسن برپاست آن برگزیده شد، مجدداً به عضویت کمیته مرکزی انتخاب گردید. اما تنها چند روز پس از کنگره، رفیق محسن در یک نبرد خیابانی با مزدوران رژیم به شهادت رسید و خونش آدین بخش راه سرخ کارگران گشت.



هشتم تیرماه ۱۳۵۵ کارگران و زحمتکشان منطقه مهرآباد جنوبی شاهد یکی از بزرگترین حماسه آفرینی‌های چریکهای فدائی خلق بودند. در آن روز رفیق کبیر حمید اشرف به‌همراه تنسی چند از هم‌زمانش در حالیکه به محاصره صد هاتن از نیروهای سرکوبگر رژیم سلطنتی درآمده بودند تا آخرین گلوله به مقابله و متنی دلورانه دست زدند و ضمن بهلاکت رساندن شمار زیادی از مزدوران، سرافراز در راه سرخ آرمانهای پرولتاریا جان باختند.

رفیق حمید اشرف فعالیت انقلابی خود را در سال ۴۲ و با پیوستن به گروه جزئی آغاز نمود. سپس به عضویت تیم رفیق سعید کلانتری درآمد و چون رهبری و عمده‌اعضای تیم زیر ضربه‌های ساواک قرار گرفتند، رفیق حمید در رهبری تیم قرار گرفت و برق آسا آنرا بازسازی کرد. در مقطع رستاخیز سیاه کل مسئولیت ارتباط تیم شهروکوه را برعهده داشت و پس از ضربات سال ۵۰ با عزمی استوار و آهنین سازمان



در تاریخ ۲۴ آذرماه ۱۳۶۰، سرب مذاق گلوله‌های مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به قلب پرتیش رفیق محسن مدیرشانه چی با رسیدن گرفت و رفیق محسن از میان خیل رفقای پاکباخته ما بخاک افتاد و جان باخت.

رفیق محسن مدیرشانه چی یکی از کادرهای برجسته سازمان و چهره آشنای جنبش کمونیستی ایران، در سال ۱۳۲۷ در تهران در خانواده‌ای متولد شد که راه مبارزه در آن بصورت یک سنت الهام‌بخش، همه چهار فرزند خانواده را به خط سرخ و خونین مبارزه در راه آرمان رهسائی کارگران و زحمتکشان کشانید و آنان را چنان پروراند و آموخت که تا واپسین دم حیسات به آرمان والای طبقه کارگر وفادار ماندند.

رفیق محسن مبارزاتش را از دوران دبیرستان آغاز کرد و در دانشگاه یکی از فعالین جنبش دانشجویی در سالهای پیش از ۱۳۵۰ بود. در

پتک است خون من ، دردست کارگر

داس است خون من ، دردست برزگر

عباس	*چما زکتی*	سعود	*پرورش*	حمید	*اکرامی*	گلی (لیلا)	آبکناری
محمد رضا	*چمنی*	محمد	*پیروزی*	روح اله	*الماسی*	بهمن	آبگرمیان
محمد	*چوپا نژاده*	-	*پیروین*	علیرضا	*العاسی*	بهنوش	آذربان
حسین	*چوخاچی*	جعفر	*پشامی*	حسین	*الهیاری*	محمد (بهورز، بهنام)	آراز
	. . .	خسرو	*پناهی*	داوود	*امیراحمدی*	علی نقی	آرش
مهدی	*حاتمی*	علیرضا	*پناهی*	بهزاد	*امیری دوان*	ابوبکر	آرمان
مهوش	*حاتمی*	فتحعلی	*پناهیان*	بهنام	*امیری دوان*	حمید	آریان
مرتضی	*حاج شفیع‌ها*	جعفر (خشا یار)	*پنجه شاهی*	محمود	*امین زاده*	سعید	آریان
عبدالکریم	*حاجیان سه پله*	سیمین	*پنجه شاهی*	یحیی	*امین نیا*	حمید	آزادی
حسن	*حامدی مقدم*	عبداله	*پنجه شاهی*	جلیل	*انفرادی*	همایون	آزادی
-	*حسن*	نسرین	*پنجه شاهی*	منوچهر	*اویسی*	بهمن	آزنگ
علی	*حسن پور*	ابراهیم	*پوررضا خلیق*	ناذر	*یادی*	فریدون	آشوری
فاطمه	*حسن پوراصیل*	جمشید	*پورقاسمی*	عبدالرضا	*ایرواسی*	بهرام	آقای آتابای
غفور	*حسن پوراصیل*	غلامعلی	*پورنغمه*	احسان اله	*ایمانی*	فردوس	آقای ابراهیمیان
خیراله	*حسن وند*	نادعلی	*پورنغمه*	ونداد	*ایمانی*	زهرا	آقای نبی قلهکی
محمدعلی	*حسینی*	قریبا علی	*پورنوروز*		*. . .*	لادن	آل آقا
	حسینی بزرگ آبادی رشید	امیر پرویز	*پویان*	محمود	*بابائی*	نسترن	آل آقا
	حسین زاده کرمانی ها دی	مهدی	*پهلوان*	هاشم	*بابا علی*	پریدخت (غزال)	آیسی
قرنی	*حسینی*	محمد	*پیروز زاده جهرمی*	-	*بابک*	-	ابراهیم
افسرالسادات	*حسینی*	عبدالمجید	*پیروز زاده جهرمی*	سعود	*باختری*	مهرنوش	ابراهیمی
سیدحسن	*حسینی*	رحمت اله	*پیروندیری*	نعمت	*باشعور*	عسگرحسین	آبرده
سیدقربان	*حسینی*	سلیمان	*پیوسته حاجی محله*	حسین	*باطبی*	محمدعلی	آبرندی
سید ربیع	*حسینی*		*. . .*	جها نگیر	*باقر پور*	حمید	احمدزاده
فاطمه	*حسینی*	ابوالقاسم	*ناجلی*	علیرضا	*باقری*	سعود	احمدزاده
صمد	*حسینی زهی*	عباس	*تبریزی*	غلامرضا	*بانژاند*	نادره	احمد هاشمی
رضا	*حسینی مستعان*	ابوالقاسم	*تجلی*	فریدون	*بانهای*	هوشنگ	احمدی
اکبر	*حق بیان*	خسرو	*تره گل*	عبدالحسین	*براتی*	نعمت	احمدی
محمدحسین	*حق نواز*	حسین	*تدریسی*	حبیب	*برادران خسروشاهی*	محمدربما	احمدی
ابوبکر	*حمیدی*	رحیم	*تشرکی*	احمد	*برارپور*	همت	احمدی
جلیل	*حواری نسب*	یعقوب (امیر)	*تقدیری*	اسماعیل	*برزگر*	مرضیه	احمدی اسکونی
علی اکبر	*حیدریان*	محمدعلی	*تقی زاده*	سعود	*بربری*	سعید	احمدی لاری
کبری	*حیدریان*	مریم	*توسلی*	اسداله	*بشردوست*	سهرور	احوندی
	. . .	ناصر	*توفیقیان*	محسن	*بطحاشی*	جلیل	اراضی
غلامحسین	*خاکباز*	حمید	*توکلی*	میترا	*بلبل صفت*	جعفر	اردبیلچی
محمود	*خاموشی*	سیمین	*توکلی*	هادی	*بنده خدا لنگرودی*	سهرور	ارمعاسی
عطا	*خانجانی*		*. . .*	علیرضا	*بهاری پور فرکوش*	مهدی	اسحاقی
مهدی	*خانزاده*	منصور	*حابری*	منوچهر	*بهائی پور*	نوکل	اسدیان
رحیم	*خدا دادی*	علی	*حدیدی*	عزت (موسی)	*بهرامی*	سامک (اسکندر)	اسدیان
مرتضی	*خدا مرادی*	حسین	*جرجانی*	هیبت اله	*بهرامی سامانی*	استاد اله	اسدیان
غلامعلی	*خراتپور*	بیژن	*جزنی*	بهورز	*بهورز نیا*	-	اسکندر
سیروس	*خرده بین*	سعود	*جعفرپور*	منصور	*بهشتی*	مصوم (مهران)	اسکندری ترغانی
طاهره	*خرم*	فریدون	*جعفری*	اشرف	*بهکیش*	-	اسعد
احمد	*خرم آبادی*	اصغر	*جعفری جزایری*	محمد رضا (کاظم)	*بهکیش*	-	اسماعیل
مجتبی	*خرم آبادی*	ابراهیم	*جلالی*	بهرام	*بهلوکی*	-	اشترانی
محمدعلی	*خسروی اردبیلی*	خاطره	*جلالی*	فرزاد	*بهلولی*	علی	اشرف
امیرحمید	*خشا یار*	غلامرضا	*جلالی*	اسماعیل	*بیدشهری*	حمید	اشرف زاده کرمانی منزه
علی	*خصوصی*	حسن	*حلالی نائینی*	زهرا	*بیدشهری*	اشرف زاده کرمانی منزه	اشکافی
علی	*خلیقی*	احمد	*جلیل افشار*	صا	*بیژن زاده*	هادی	اعظمی
محمود	*خلیلی*	محمد	*جلیل وند*	احمد (حمید)	*بیک محمدی*	انور	افدرنیا
علی محمد	*خوجه*	عباس	*جمشیدی رودباری*	فرزاد	*بیگتری*	فاطمه	افروزه
ابراهیم	*خیری*	بیژن	*جنتی*	غلامحسین	*بیگی*	محمد	اقبالی
	. . .	محمود	*جنتی*		*. . .*	هوشنگ	اقبالی
فرزاد	*دادگر*	سعید	*جوان مولائی*	اکبر	*پارس کیا*	مهدی	افتداری منتش
فرهاد	*دادور*		*. . .*	محمد علی	*پاریا*	احمد	افدسی
عباس	*دانش بهزادی*	محمد	*چشم براه*	سعید	*پایان*	طهمورث	اکبری
کرامت اله	*دانشیان*	وجیه اله	*چشم فروز*	جها نبخش	*پایداری*	حمید	اکبری آذر

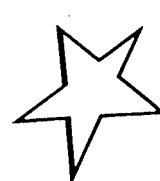
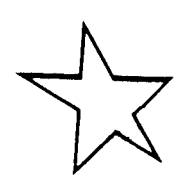
حسین	*علیزاده	فریبا	*شفیعی	حسن	*سبعث	دا نبالی	مسعود
غفور	*عمادی	قربان (آرقا)	*شفیعی	محمد	*سپاسی	داوری	پرویز
پرویز	*عندلیبان	نورمحمد	*شفیعی	ایرج	*سپهری	داوودی	علی کرم
کاظم	*غبرائی	یعقوب	*شکرالهی	سیروس	*سپهری	دبیری فرد	علی
عزت (رفیق مادر)	*غروی	فیروز	*شکری	فرخ	*ستاری	درخشنده توماج	شیرمحمد
فریده	*غروی	مصطفی	*شمس الدینی	تیمور	*ستوده	دردی پور	آرازمحمد
عبدالرضا	*غفوری	مسعود	*شوقیان	محمدرضا	*سجادی	نژادگاه	جمشید
چواد	*غفوربان	علیرضا	*شهاب رضوی	زاهد	*سرافراز	نژادگاه	مریم
علی اصغر	*غلامی	بهزاد	*شهلائی	آنه بردی	*سرخوش	دقیق همدانی	مصطفی
احمد (ها دی)	*غلامیان لنگرودی	محمد رضا	*شهناواز	جها نبخش	*سرکاری	دکتر نریمسا	-
	*.....	کاظم	*شهیدی ثالث	حسن	*سرعتی	دلیر	جعفر
ها دی	*فاضلی	کریم	*شیخی	عظیم	*سرمدی	دهقان	پهروز
پروین	*فاطمی	-	*شیرین	عزیز	*سعادتی	دهقان	جلال
حسین	*فاطمی	-	*صادق	حسن	*سعادتی	دیده ور	صدیق (دکتر بهرام)
مرتضی (امیر)	*فاطمی	احمد	*صادقی	حمیدرضا	*سعادتی	*.....	
ناصر	*فتوحی	اسکندر	*صادقی نژاد	کاظم	*سعید	راست خدیو	بهمن
مرتضی	*فخرطبا طبائی	مسعود	*صارمی	-	*سعیدی	رجائی	ژیللا
فرشید	*فرجاد	حسن	*صالحی	منصور	*سعیدی بیدختی	رحمتی	مسعود
ها دی	*فرجادی	فرشید	*صیوری	عبداله	*سلاحی	رحیمی	اسکندر
حسن	*فرجودی	فیروز	*صدیقی	چواد	*سلاحی	رحیمی	عزیزمحمد
مسعود	*فرزانه	فرهاد	*صدیقی پاشاکی	کاظم	*سلسبیلی	رحیمی	محمد ظاهر
منصور	*فرسا	محمد	*صغاری آشتیانی	حسین	*سلطانپور	رحیمی علی آبادی	علی
محمد رضا	*فرشاد	علی اکبر	*صغاری فراهائی	یداله	*سلیمان نژاد	رستمی	قلی
-	*فرشید	حمید	*صغری	سعید	*سلیمانی	رسولی	مصطفی
منصور	*فرشیدی	علیرضا	*صغری	خلیل	*سلیمی	رشت چی	زین العابدین
زهره	*فرمانبردار	غلامرضا	*صغری	احمد	*سمائی	رشوند سرداری	ابوالقاسم
محمدتقی (هما یون)	*فرومند	محمود	*صمدی	ناصر	*سمعی	رضائی	جعفر (حر)
-	*فرهاد	عبداله	*صوفی زاده	محمد رحیم	*سمعی اصغهائی	رضوی	محمد
مسرور	*فرهنگ	فرزاد	*صیامی	مهدی	*سنجری	رفعتی	محسن
احمد	*فرهودی	حسن	*صیاء ظریفی	جها نشاء	*سنجری	رفیعی	مینا
-	*فرید	*.....	*.....	مهدی	*سوالانی	رقابی	مسعود
محمد رضا	*فریدی	طالب زاده شوشتری	*طالب نژاد	عباس	*سورکی	رضائی	شفیع
مهدی	*فضیلت کلام	رحمت	*طالبی	ولی	*سوستی	روائی	فرهود
انوشه	*فضیلت کلام	جهانگیر بهمن بیگلر	*طالبی	ژیللا	*سیاب	روتابی	شهناز
ماف	*فلکی	منیژه	*طاهرخو	قاسم	*سیادتی	روحی آهنگران	اعظم السادات
محمد مهدی	*فوقانی	اقبال	*طغیانی	رضا	*سیدالشهدائی	روحی آهنگران	بهمن
ماهرج	*فیاض	جها نبخش	*طهما سبی	قاسم	*سیدیا قری	روحی آهنگران	نزهت السادات
	*.....	احمد	*طولابی	مجید	*سیدی	زودگریان	اسماعیل
مظفر	*قادر	حسن	*.....	ناصر	*سیف دلیل صفائی	روغن چی	فاطمه
مارتیک	*قازاریان	*.....	*.....	بابک	*سلابی	رهبر	بهمن
بهنام (شیرام)	*قاسم زاده رضوی	ظریفی بامیان چوبداری علیرضا	*.....	-	*سینا	رهبر	بهنام
محمود	*قاضی پور	*.....	*.....	فریدون	*شافعی	رهبری	سعید
	*قانع خشک بیجاری یوسف	اسماعیل	*عابدی	خدا بخش	*شالی	رهگذر	کاووس
چنگیز	*قیادی	-	*عباس	علیرضا	*شاه بابائی	رئیس	نصرت
کرامت	*قیادی	منصور	*عبدالپناه	مریم	*شاهی	*.....	*.....
رمضان	*قربانی	علی	*عبدالعلی زاده	قدرت اله (مجید)	*شاهین سخن	زارج	عباس
خسرو	*قره داغی	عبدالکریم	*عبداله پور	ارژنگ	*شایگان شاماسبی	زارع کاربزی	یداله
فریان	*قریبی	پهروز	*عبدی	نادر	*شایگان شاماسبی	زرکاری	قربانعلی
ابوالفضل	*قرزلایق	اصغر	*عرب هریسی	ناصر	*شایگان شاماسبی	زرکاری	یوسف
محمد رضا (امیر)	*قصاب آزاد	مسعود	*عرفان	ابراهیم	*شریفی	زکی زاده	حسن
سیروس	*قصرینی	محمد جواد	*عرفانیا	رحمت	*شریفی	زمان زاده	فرامرز
جها نگیر (جهان)	*قلعه ماندوآب	محمد رسول	*عزیزیان	فرامرز	*شریفی	زند	غلام
مختار	*قلعه ویسی	محمود	*عظیمی بلوریان	مجید (هما یون)	*شریفی	زیرم	احمد
احمد رضا	*قنبرپور	سعید	*عقیقی	عباسعلی	*شریفی	زین الدینی	فقیرمحمد
محمد رضا	*قنبرپور	کامران	*علوی	داریوش	*شریفیان	زینی وندنژاد	غلامحسین
.....	*قنبرنژاد	..	*علی	شهسوار	*شفا هیان	*.....	*.....
	*.....	رویا	*علی پناه فرد		*شفیعی	محمدعلی	محمدعلی

رضا	* یثربی	فاطمه (شمسی)	* نهانی	زهره	* مدیرشانه چی	عباس	* کا یلی
جمیل	* یخچالی	هوشنگ	* نیری	محسن	* مدیرشانه چی	علنی	* کارگر
پوران	* یدالهی	فریدون	* نیک جو	فرشاد	* مرعشی	غلامرضا	* کاروردمان حاجبی
علیرضا	* یراق چی	ابوالقاسم	* نیکچه همدانیان	-	* مسعود	جواد	* کارشی
رشید (سمکو)	* یزدان پناه	حسن	* نیک داوودی	اکبر	* مسلم خانی	محمد	* کاسه چی
اسعد (شاهو)	* یزدانی	محسن	* نیک مرام	شعاع الدین	* مشیدی	جواد	* کاشی
عبداله	* یزدانی	حسین	* نیکوکار	محمدعلی (امیر)	* معتقد	ماریا	* کاظمی
مهدی	* یوسفی	طواق محمد	* واحدی	قاسم	* معروفی	محمدرضا	* کامیابی
	•••	هوشنگ	* والی زاده	محمد	* معصوم خانی	کیکاووس (عباس)	* کامران
	☆	علی اکبر	* وزیر	حسن	* معصومی همدانی	-	* کاوه
	☆	مجید	* ولی	عزت اله	* معلم	ابراهیم (شریف)	* کردی
	☆	-	•••	رفعت	* معماران بنام	سعیده	* کرمان
		شاهرخ	* هادی	سعید	* معینی	عثمان	* کریمی
رفقای گروه آرمان خلق		محمدرضا	* هدایتی	اسماعیل	* معینی عراقی	فتح اله	* کریمی
		حمیدرضا	* همدانی	محمد ابراهیم	* مفتاح	مرتضی (ایوب)	* کریمی
هوشنگ	تره گل	علیرضا	* هزارخانی	اسداله	* مفتاحی	محمد	* کس نژادی
بهرام	طا هرزاده	ابوالقاسم	* همایون پیرزاده	عباس	* مفتاحی	یوسف	* کشی زاده
همایون	کتیرانی	گودرز	* همتی	ایوب	* ملکی	عبدالرضا	* کلانتر نیستانی
ناصر	کریمی	فریده	* همدانی	فرزاد	* ملکی	سعید	* کلانتری
ناصر	مدنی	پیام	* هندجانی	محمدعلی	* ملکوئیان	منوچهر	* کلانتری نظری
		عباس	* هنریار	علی	* مملی	-	* کمال
			* هوشمند	احمد	* مواتن	بردن محمد	* کوسه غزوی
			•••	موسوی دوست موجانی حسین	* موسوی دوست موجانی حسین	حسن	* کهل
				ناریوش	* مولوی	کمال	* کانیفر
				حبیب	* مومنی	احمد	* کیانی
				حمید	* مومنی	-	* کیوان
				اکبر	* موبد	•••	•••
				گلرخ	* مهدوی	خسرو	* گرجی ساسی
				شاهرخ	* میثاقی	خسرو	* گلسترچی
				علی	* میرابیون	فرشته	* گل عنبریان
				شهرام	* میرانی	غلامرضا	* گلوی
				مراد (حیدر)	* میرزانی	عباس	* گودرزی
				سعید	* میرشکاری	•••	•••
				علی	* مرشکاری	غلامرضا	* لایق مهربانی
					•••	حسن جان	* لنگوری
				علیرضا	* نابدل	•••	•••
				نقیسه	* نادره	خسرو	* ناشی
				احسن	* ناهید	حمیدرضا	* نالکی
				شهریار	* ناهید	حمیدرضا	* ماهیگیر
				فریدون	* نجف زاده	عبدالرضا	* ماهیگیر
				ناصر	* نجم الدینی	خسرو	* مبارکی
				ناصر	* نحوی	بیزن	* مجنون
				-	* نسترن	محمد	* محیدی
				پروریز	* نصیر مسلم	غلامحسین	* محیدی
				-	* نظام	ناصر	* محبی
				صادق	* نظری	جعفر	* محتشمی
				رضا	* نعمتی	محمدعلی	* محدث قندچی
				شاپور	* نقری	حجت	* محسنی کبیر
				بهاء الدین	* نگهداری	حسن	* محمدپور
				نادره	* نمازی	ما شاء اله	* محمدحسینی
				محمود	* نمازی	علی	* محمدنژاد
				علی	* نودری	احمد	* محمدی
				محمد امین	* نورانی	فاطمه	* محمدی
				محسن	* نوربخش	مهران	* محمدی
				حاجقلی	* نورقلی پور	حسین	* محمدی
				حسن	* نوروزی	حسن	* محمودیان
				نادره	* نوری	عبدالحکیم	* محتوم
				داوود	* نوری	لقمان	* مدائن
				سید	* نوزادی	داوود	* مدائن

کرامی باد یادشدهای گمنام سازمان

آرام آ...ی مادرم، آرام
بگذار تا سپیده برآید
بگذار تا سپیده ببندند
پشت مرا به تیسر
بگذار تا برآید " آتش"
بگذار تا ستاره شلیک
دیوانه وار بگذرد
از کجکشان خون
خون شعله ور شود

بگذار باغ خون
بر خاک تیرباران
پیر پر شود
بگذار " تیسر"
چون جنگلی بروید
در آفتاب خون
فریادگر شود
این بذرها به خاک نمی ماند
از قلب خاک میشکند چون برق
روی فلات میگردد چون رعد
خون است و
ماندگار است



خاطره فدائیان شهید در قلب بزرگ طبقه کارگر زنده و جاوید خواهد ماند



- * آراین
- * اشکینه
- * اکرمی
- * اکرمی
- * الماسیان
- * ایوانی
- * بهکیش
- * پنجه شاهی
- * توکلی
- * جهانگیری
- * حسینی
- * حیاتی
- * خسروی
- * دکتر بیژن
- * دولتی
- * رازی
- * رجب پور
- * رجب زاده
- * رحیم زاده
- * رحیم زاده
- * رستم علی پور

وکشتار عظیم سال ۶۷! در مرداد سال ۶۷ خمینی خون آشام جام زهر را سرکشید و دیوانه و اربجان زندانیان سیاسی افتاد تا از تن سوخته‌ها انتقام بگیرد. تنها در طول چند روز، هزاران زندانی سیاسی قتل عام شدند که صدها رفیق فدائی نیز در زمره اعدام شدگان بودند. هنوز پس از گذشت یکسال و اندی نام تمامی قربانیان این کشتار عظیم و وحشیانه بر ملا نشده است. یاد این جانباختگان راه سوسیالیسم و دمکراسی گرامی باد. اساساً تعدادی از رفقای که در مرداد و شهریور سال ۶۷ قتل عام شدند بشرح زیر است:



- * رستمی
- * روحانی
- * ریاحی
- * ریاحی
- * سارمی
- * سلطانه زاده اهری
- * شادمانی
- * شکری
- * طاهری
- * عادل
- * فتاحی
- * فتحی
- * قلی پور
- * کاظمی
- * لریکی
- * مصطفوی
- * مفرد طاهری
- * موسوی
- * مولائی
- * نصیری مقدم
-



رفیق اسداله پنجه شاهی



رفیق جلال فتاحی



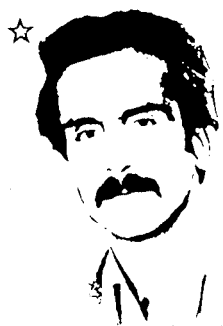
رفیق خسرو گل سرخی



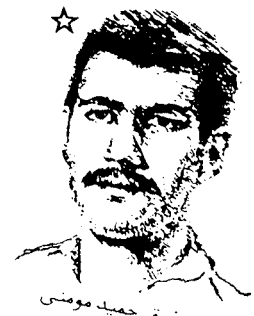
رفیق سعید سلطانیپور



رفیق کرامت اله دانشیان

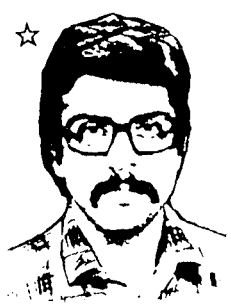


رفیق محمد قاسم سیدافروزی



رفیق حمید مومنی

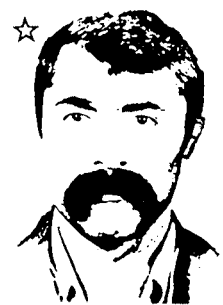
مرگم :
سپیده دیگری است
تا خونم
پرچم سرخ کارگران باشد
در انقلاب روشن فردا.



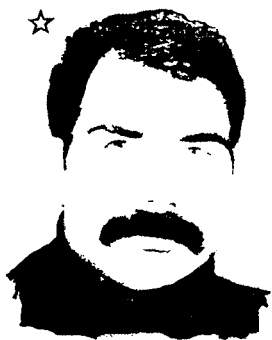
رفیق صادق نظیری



رفیق خشایار پنجه شاهی



رفیق مسعود رحمتی



در یکی از روزهای آبانماه ۶۲، دژخیمان بورژوازی نام رفیق منصور اسکندری تربقانی را از بلندگوهای بنداعلام میکنند. جلادان باردیگر کمونیستی را به مرگ محکوم کرده‌اند. رفیق منصور محکم و استوار از جای برمیخیزد، با یک یک زندانیان هم بند روبوسی میکند و با گامهای استوار و با ایمان به پیروزی کمونیسم، بسوی میدان تیرباران می‌شتابد. لحظاتی بعد صدای رگبار، فضای اوین را میخراشد و فدائیان خلق آزمون دیگری را با موفقیت سپری میکنند.

چنین بود که سازمان رفیق دکتر منصور اسکندری (مهران) عضو کمیته مرکزی خود را از دست میدهد. رفیق منصور بسال ۱۳۲۹ در کاشمر بدنیآ آمد. از همان بدو کودکی توأم با درس، کار میکرد. پس از اخذ دیپلم در سال ۴۶ وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. و فعالانه در فعالیتهای صنفی و سیاسی دانشگاه شرکت کرد. با آغاز مبارزه مسلحانه در سال ۴۹ و اعلام موجودیت سازمان، رفیق منصور بسوی خط مشی سازمان روی آورد و در ارتباط با یکی از رفقای سازمان قرار گرفت. در سال ۵۱ در حالیکه ارتباط او با سازمان قطع شده بود، فعالیت خود را با یک گروه هوادار سازمان ادامه داد و در جهت تدارک تسلیحات برای گروه نقش فعالی برعهده گرفت. در دیماه سال ۵۲ توسط مزدوران ساواک دستگیر و با تحمل شکنجه‌های وحشیانه به ۷ سال زندان محکوم شد.

زندان برای رفیق عرصه دیگری از مبارزه بود و چنین بود که هم بداندش او را منبع انرژی و تلاش خستگی ناپذیر یافتند. سال ۵۷ امواج توفنده انقلاب درهای زندان‌ها را گشود و رفیق منصور عرصه وسیعتری را برای ادامه مبارزه انقلابی یافت. رفیق در نخستین روزهای پس از قیام در انتشار نشریه "کار" نقش مهمی ایفاء کرد. پس از انشعاب اکثریت، به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و نامدتی علاوه بر عضویت در تحریریه کار، مسئولیت کمیته کارگری را نیز عهده دار بود. در اوئل سال ۶۰ رفیق مسئولیت کمیته ایالتی تهران را برعهده گرفت و تمام هم‌اش را برای برگزاری نخستین کنگره سازمان

شدواقلیت فعالیت انقلابی را تداوم بخشید. در ضربه اسفند سال ۶۰ که ارتجاع چنین مشعوف و سرخوش آنرا فریاد میکشید، سازمان تعدادی از برجسته ترین رفقای کادر مرکزی و تعدادی دیگر از رفقای سازمان را از دست داد. طی روزهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ اسفند رفقا هادی، کاظم، نظام و تعداد دیگری از رفقای سازمان به شهادت رسیدند.



سازمان از جمله رفیق حمید شرف بشهادت رسیدند، یک تنه به سازمان ندهی و بازسازی تشکیلات پرداخت. در سال ۵۷ و در روزهای قیام در تسخیر مرکز دایووسا بر رگانه‌ها فعالانه شرکت داشت. پس از قیام همچنان عضو کمیته مرکزی سازمان بود و مسئولیت های متعددی برعهده داشت. هادی در زمره نخستین رفقای نبوده که علیه اپورتونیست های اکثریتی به مبارزه پرداخت. فدائی و از خودگذشتگی و صداقت انقلابی، از خصوصیات برجسته او بود، سرانجام روز ۲۵ اسفند ۶۰ در پی خیانت احمد عطا الهی در یک درگیری رودر روی با مزدوران جمهوری اسلامی بشهادت رسید.



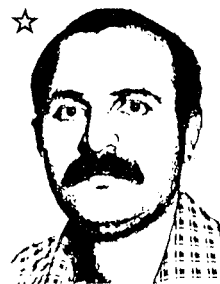
مرکز را دیوشرکت نمود. رفیق نظام در سازمان دهی نیروهای که جذب سازمان میشدند نقش برجسته ای داشت. او تا شیر قاطعی در سازمان ندهی کارگران صنایع دفاع داشت. پس از پرداخت کثرتی های خائن مسئولیت کمیته کارگری سازمان را برعهده گرفت. وی در تابستان ۶۰ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و در کنگره سازمان در ایمن مسئولیت ایفاء شد. سرانجام در ۲۳ اسفند بدنبال درگیری با مزدوران جمهوری اسلامی به شهادت رسید.



سال ۵۶ به عضویت سازمان پذیرفته شد. او چه قبل و چه پس از قیام نقش قاطعی در مبارزه با اپورتونیستهای راست داشت. او در طول زندگی مبارزاتی خود مسئولیت های مختلفی را در سازمان برعهده گرفت که از جمله میتوان به تبلیغات و توزیع، مسئولیت ارتش و مسئولیت امنیتی اشاره کرد. او در سال ۶۰ به عضویت کمیته مرکزی سازمان درآمد و همچون رفقا هادی و نظام، بدنبال خیانت احمد عطا الهی، روز ۲۴ اسفند در درگیری با مزدوران جمهوری اسلامی به شهادت رسید.



در اولین روزهای اسفند ۶۰، بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع باشادی و شعف فراوان، از ضربه وسیع بر پیکر سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اقلیت خیر دادند. جغدشوم ارتجاع از شادی در پوست خود نمیگنجید چرا که کوردلانسه تصور میکرد با این ضربه وسیع، بر فعالیت انقلابی اقلیت خط پایان کشیده است. اما علی رغم این تصورات واهی، در اثر از خودگذشتگی و تلاش شبانه روزی رفقا، تشکیلات بسرعت بازسازی



رفیق کبیرا حمد غلامیان لنگرودی (هادی)، پس از حماسه سیاهکل به خط سرخ فدائیان روی آورد. وی بدلیل خصائل برجسته و صداقت انقلابی بسرعت در سازمان ارتقاء یافت و پس از ضربه سال ۵۵ که کلیه رهبران



رفیق نظام زندگی مبارزاتی را از دوران دانشجویی آغاز نمود. در سال ۵۵ از طریق رفیق اسکندری سازمان تماس گرفت در مقطع قیام به همراه رفقا هادی و سیادت در تسخیر



رفیق محمدرضا بهکیش (کاظم) پس از حماسه سیاهکل فعالیت انقلابی خود را در رابطه با سازمان آغاز کرد. در سال ۵۵ در ارتباط مستقیم با سازمان قرار گرفت و در

جاودان باد . . .

اما آیا باین همه قساوت و ددمنشی طبقات ارتجاعی حاکم بر ایران مبارزه آرام گرفت؟ خیر. مبارزه پیگیرانه ترو استوارتر از گذشته ادامه یافت. هیچ سرکوب و ددمنشی مرتجعین قادر نبوده و نخواهد بود ما را از ادامه راهمان و پایداری محکم به اهدافمان که همانا اهداف سترگ طبقه کارگراست بازدارد.

آنچه که در طول تمام دوران حیات سازمان ما، نیروی محرک این همه فداکاری، از خودگذشتگی و ایستادگی حتی در زندان و زیر شکنجه بوده است. و باعث شده است که صدها تن از رفقای فدائی ما در مبارزه علیه مرتجعین از فدا کردن جان خود نیز دریغ نورزند، همانا آرمان کمونیستی سازمان ما، دشمنی آشتی ناپذیر با هرگونه ظلم،ستم، استثمار و بندگی، ایمان به رسالت طبقه کارگر و حتمیت پیروزی این طبقه بر بورژوازی و بنای یک جامعه کمونیستی است که دیگر در آن از طبقات ستمگرو ستم‌دیده، استثمارگرو استثمارشونده، فقیر، بدبختی و سرکوب خبری نباشد و همه اعضاء جامعه بعنوان انسانهای حقیقتاً آزاد در خوشبختی و رفاه زندگی کنند.

بخاطر این اهداف و آرمانهای والای انسانی است که طی بیست سال حیات سازمان صدها فدائی در مبارزه علیه طبقات ارتجاعی جان باختند و نام پرافتخارشان را بعنوان شهدای طبقه کارگر ایران جاودانه کردند. و امروز ما بعنوان ادامه دهندگان راه، اهداف و آرمانهای بزرگ کمونیستی شهدای فدائی، یکبار دیگر بمناسبت ۲۵ اسفند، روز شهدای سازمان، عزم استوار خود را به ادامه مبارزه تا تحقق کامل این اهداف و آرمانها اعلام میداریم.

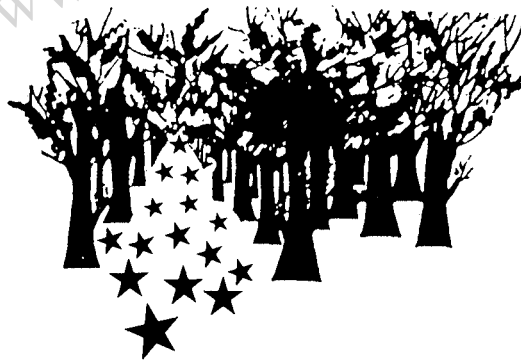
بگذار سرمایه داران و همه مرتجعین تمام قساوت و بیرحمی خود را نشان دهند. بگذار آنها بعنوان مدافعین ظلم و ستمگری، بهترین نمایندگان آرمانهای انسانی بشریت ستم‌دیده را دسته دسته قتل عام کنند. جز شکست چیز دیگری عاید آنها نخواهد شد. سرانجام پیروزی از آن طبقه کارگر و کمونیستهاست. این حکم تخطی ناپذیر تاریخ است.

بود. لذا مبارزه سازمان ما ادامه یافت و صدها تن دیگر از فدائیان خلق در دوران رژیم جمهوری اسلامی بخاطر دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان، دفاع از دموکراسی و سوسیالیسم جان باختند. رفقا سیامک اسدیان، منصور اسکندری، محسن مدیرشانه چی، سعید سلطانیور، قاسم سید باقری، انور اعظمی، مسعود رحمتی و رفقای که در یورش اوایل اسفندماه سال ۶۰ بشهادت رسیدند، رفیق‌های دی، رفیق نظام، رفیق کاظم بهکیش، رفیق خشار پنج‌شاهی به‌مراه دهها و صدها رفیق دیگر در زمره فدائیان هستند که در دوران رژیم جمهوری اسلامی بشهادت رسیدند و آخرین گروه از این جانباختگان راه سوسیالیسم را رفقای تشکیل‌دهنده در کشتار دسته‌جمعی زندانیان سیاسی در مرداد و شهریور سال ۶۷، بخاطر دفاع از آرمانهای کمونیستی خود به جوخه اعدام سپرده شدند.

در این خیل شهدای سازمان گروهی از کارگران آگاه بمنافع طبقاتی خود که در زمره پیشروترین و آگاه‌ترین کارگران ایران بوده‌اند، رفقای همچون اسکندرمادقی نژاد، جلیل انفرادی، نوروزی، جهانگیر قلعه میان‌دوآب، خیراله حسن‌وند، برندی و هولاشی و دهها رفیق کارگر دیگر در نبرد با سرمایه‌داری و بخاطر تحقق اهداف و آرمانهای کمونیستی خود جان باختند.

همچنین بایدا زده‌ها زن قهرمان یاد نمود که در صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مبارزه کردند و در راه سوسیالیسم جان خود را فدا کردند. رفقا مرضیه احمدی اسکونی، مهرنوش ابراهیمی، شیرین فضیلت کلام، نسترن، اشرف بهکیش و دهها رفیق دیگر در زمره پیشروترین زنان کمونیستی بودند که بدست جلادان رژیم شاه و جمهوری اسلامی به شهادت رسیدند.

بکار برد ما یک هفته قبل از برگزاری کنگره به اسارت در خیماں رژیم جمهوری اسلامی درآمد. رژیم با شناختی که از رفیق منصور اسکندری داشت و نیز با اطلاع از موقعیت تشکیلاتی وی، تمام نیروی خود را بکار گرفت تا شاید او را به تسلیم وادارد. اما هرچه بیشتر آلات و ادوات شکنجه را بکار برد، بیشتر معلوم شد که این مبارز کمونیست هرگز اسرار سازمانش را فاش نخواهد ساخت. بدین ترتیب رفیق منصور در زندان سمبل ایستادگی و مقاومت کمونیست‌ها در برابر مرتجعین گردید و تا آخرین لحظه حیات پرافتخارش به آرمان‌رهای پرولتاریا وفادار ماند.



وقتی که در ترنم خوسه‌ها و یادها
وقتی که در سقوط دانه‌ها
به دامان خاک

وقتی که در پیش قلب ترکمن
شورا و کارو کشت
توماج و عزم‌رهای
آواز میشود،
خورشیدزنده است،
درسیا هکل
در عصیان توده‌ها

خورشیدزنده است درسیا هکل
خورشیدزنده است درسیا هکل
وقتی که در چکاچک دنده‌ها و چرخها
در سوت کار و خروش اعتصاب
وقتی که در خلوت زمزمه‌ها و آوج شعار
- پنهان و آشکار -

از شورش و قیام و رهای
از بیزن و جهان و صفائی
یا دمیشود
خورشیدزنده است،

درسیا هکل
در عصیان توده‌ها



اکنون میان آتش و خون
قیام و جنگ
با این همه نشیب
با این همه فراز
خورشید زنده است،
درسیا هکل



در عصیان توده‌ها.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

و ترکمن صحرا، عرصه دیگر مبارزه فدائیان خلق، عرصه دیگر سازماندهی کارگران و زحمتکشان روستایی، عرصه مبارزه برای زمین و شورا. در ترکمن صحرا نام شورا با نام فدائی و با نام شهدای ترکمن فدائی توماج، مختوم، و احدی و جرجانی عجین شده است.



رفیق شیرمحمد درخشنده توماج

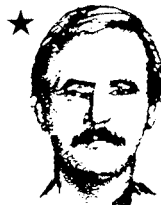


رفیق طواق محمد واحدی

توماج... مختوم... و احدی... جرجانی
داس خونین دهقانان، فدائیان خلق
تورخونین صیادان، فدائیان خلق



رفیق حسین جرجانی



رفیق عبدالحکیم مختوم

.....
نگاه کن، نگاه کن
این دریای پرچم های سرخ
که بردست کودکان ترکمن صحرا
به گردش درآمده است
خون دلاوران ترکمن صحراست
خون صیادان و کشتگران است
خون زمین و شورا است
خون آوازه خوان رفیقانست
خون آوازه خوان توست، توماج
آ... ی توماج، توماج
داس خونین دهقانان، توماج
تورخونین صیادان، توماج
.....



رفیق مهرنوش ابراهیمی

طنی بیست سال مبارزه بی امنسان
فدائیان خلق شما رکتیری از زبان آگسها و
انقلابی فدائیان در راه دفاع از منافع طبقه
کارگر به شهادت رسیده اند. زنان آگسها و
مبارزی که با شناخت عمیق از ریشه های
ستم معاخذ، ایدئولوژی فدائیان خلق را
بنا نه رهنمود مبارزه علیه هرگونه ستم و
استبداد رونا برای یافتن نخستین شهیدان
فدائیان مهرنوش ابراهیمی در بهرمان سال
«۵۵» طنی یکت درگیری نا ابراهیم و دوران
رزیم شاه جان با خست و سپس رتبان انقلابی
و کمونیست بسیاری برای مهرنوش، راه سرخ
فدائیان را ندانم بخشیدند.



رفیق منیژه طالبی (زهره)



رفیق مرضیه احمدی اسکوشی

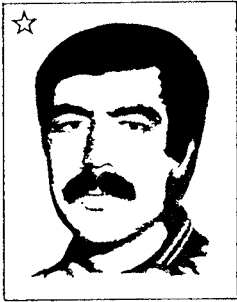


رفیق اشرف بهکیش



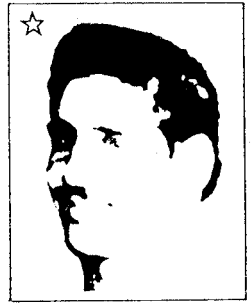
رفیق ناستر





رفیق جهان‌نگیر قلعه میان‌دوآب (جهان)

در میان فدائیان شهید چه بسیار اندک‌ارگران آگاه به منافع طبقاتی خود که شم طبقاتی و آگاهی سیاسی شان سبب شدتاً تجسم آرمان‌های والای کمونیستی خود را در درخت مشی و راه سرخ فدائیان خلق بیا بند. رفقای کارگری همچون اسکندرمصافی نژاد، حسن نوروزی، جها نگیر قلعه میان‌دوآب، رضا مولائی، مرتضی کریمی (ایوب)، اصغر عرب هریسی، ایرج سپهری، جلیل انفرادی، جعفر اردبیلی، محمدعلی ابرندی، عبدالکریم عبدالله پور، یوسف زرکاری و جبهه چشم‌فروز، علی‌کارگر، حسن نیکوکار، ناصر نحوی، خیراله حسن و نسیم حسین محمدی، و ۳۰۰۰ خاطره‌آین فدائیان شهیدگرامی باد...



رفیق اسکندرمصافی نژاد



رفیق وجهه‌اله چشم‌فروز



رفیق ایرج سپهری



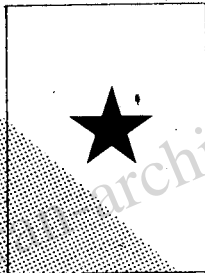
رفیق یوسف زرکاری



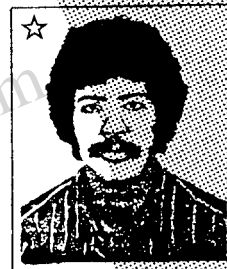
رفیق جلیل انفرادی



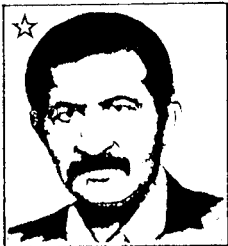
رفیق جعفر اردبیلی



رفیق محمدعلی ابرندی



رفیق عبدالکریم عبدالله پور



فدائیان خلق رفیق مرتضی کریمی (ایوب)، نمونه بارز یک کارگر آگاه به منافع طبقاتی خویش و یکی از درخشان‌ترین چهره‌های مقاومت در میان فعالان‌های رژیم‌های شاه و جمهوری اسلامی بود. رفیق ایوب فعالیت انقلابی خود را با تولد سازمان چریک‌های فدائیان خلق ایران آغاز کرد و از همان دوره در جهت پیوند سازمان با محافل کارگری آن زمان تلاش خستگی‌ناپذیری از خود نشان داد. پس از ضربه سال ۵۵، رفیق ایوب سربیک فرار خیابانی دستگیر شد و به ۱۴ سال زندان محکوم گردید. با گشوده شدن در زندانها در آستانه قیام، ایوب همه توان خود را در سازماندهی مبارزات کارگران چاپ تهران و سپس کارگران پروژه‌ای آبادان بکار گرفت و سرانجام در راه اجرای وظایف سازمان‌نگرانه خویش توسط دشمنان جمهوری اسلامی دستگیر و پس از تحمل یکسال شکنجه در یکی از روزهای زمستان ۶۲ تیرباران شد.



رفیق علی کارگر



رفیق حسین نیکوکار



رفیق حسن نوروزی

رفیق رضا مولائی در یک خاطره‌آمیز و زحمتکش در مسجد سلیمان متولد شدند و او در همان نوجوانی به کارگری پرداخت و او کسبه در سالهای قبل از قیام کارگرانه‌ها به جنرال موتورز بود، به هواداری از سازمان بر خاست، با گسترش فعالیت سازمان، نیز ارتباط ارگانیک با سازمان قرار گرفت و پس از قیام مسئولیت حوزه کارگری کارخانه جنرال موتورز را عهده دار شد. در مقطع انشعاب، به هواداری از خط مشی انقلابی اقلیت برخاست و پس از انشعاب فعالیت انقلابی خود را با اقلیت ادامه داد. در سال ۶۱ به عضویت کمیته کارگری تهران درآمد. در سال ۶۲ دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه بدست دشمنان جمهوری اسلامی تیرباران شد. یاد این کارگر پیشرو آگاه به منافع طبقاتی خود، همیشه زنده خواهد ماند.



۲۵ اسفند روز شهدای سازمان

کارگران و زحمتکشان ایران!

بیست و پنج اسفند روز شهدای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)، روزی بزرگداشت حماسه آفرینی، از خودگذشتگی، فداکاری و قهرمانی صدها شهید فدائی است که برغم سیاهترین دیکتاتوریهایی حاکم بر ایران، به وظیفه انقلابی خود در قبایل طبقه کارگر عمل کردند و دلاورانه با خصم طبقاتی جنگیدند و بیخا طرفدای آزارمانهای کمونیستی خودجان باختند.

از همان ایام که نخستین شعله های مبارزه فدائیان خلق در جنگل های سیاهکل زبانه کشید، از همان هنگام که فدائیان خلق با نقصد شرایط موجود و خیانتکاری و مداخلات طلبی حزب توده با توسل به عمل انقلابی پایان یک دوره رکود و بی عملی را اعلام کردند، از همان هنگام که توده های کارگر و زحمتکش در عمل دیدند که فدائیان خلق، این پیشاهنگان طبقه کارگر، مظهر مبارزه جوشی و زبان گویای کارگران و عموم توده های زحمتکش مردم ایرانند، از همان زمان فدائی به سمبل مبارزه جوشی و روزمندی طبقه کارگر تبدیل شدند و فدائی در میان توده ها پرآوازه گشت. حماسه سیاهکل نویدبخش سرآغاز مبارزه ای بود که دلیرترین و انقلابی ترین فرزندان طبقه کارگر علیه نظام موجود برپا کردند. رژیم شاه هراسان شد و دیوانه وار به دستگیری و شکنجه فدائیان روی آورد تا بلکه آتشی را که در سیاهکل برفروخته شده بود، استواری و پایداری فدائیان، طبقات ارتجاعی را جری ترکرد، صدها فدائی به جوخه های تیرباران سپرده شدند تا در درگیری مسلحانه با مزدوران جان باختند اما مبارزه ادامه یافت، آتش برفروخته در سیاهکل اکنون در سراسر ایران زبانه میکشد. آنچه در نبرد با طبقات ارتجاعی به فدائیان نیرو میبخشید، عشق به طبقه کارگر و ایمان به رسالت این طبقه و آرمان والای بشریت ستمدیده، کمونیسم بود. نذرهای که ۹ سال مبارزه بی امان فدائیان در میان توده کارگر و زحمتکش پاشیده بود سال ۵۷ جوانه زد. بیهوده نبود که در انقلاب ۵۷، آنگاه که توده ها برای سرنگونی رژیم شاه به مبارزه ای قهرمانانه برخاستند، فدائی به سمبل و تبلور آرمانهای پیشروترین و آگاهترین کارگران تبدیل شد. بیهوده نبود که آگاهترین بخش کارگران، تجسم آرمانهای بیدار شده خود را در خط مشی انقلابی و اعتقادات فدائی جستند. همزمان با قیام هزاران کارگر و زحمتکش شریف، بسوی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران روی آوردند. سازمان ما بمشابه سازمان پیشرو کارگران در تمام مرصه ها به سازماندهی مبارزه توده ها پرداخت. سازماندهی کارگران در کارخانه ها و محلات، سازماندهی شوراها، کارگری، شوراهای دهقانان زحمتکش ترکمن، در کردستان و... آری فدائیان خلق در تمامی عرصه های مبارزه کارگران و توده زحمتکش فعالانه شرکت جستند و بذراگهی را در میان کارگران و زحمتکشان افشانند. اینهمه تلاش و از خودگذشتگی فدائیان خلق در گسترش آگاهی طبقاتی میان کارگران در مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم و نشان دادن یگانه راه رهایی آنان، نمیتوانست رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را به هراسی مرگبار نیفکند و آنرا دیوانه وار به واکنش و اندارد. رشد و اعتلاء مبارزه کارگران و زحمتکشان، به روزآوری راه عرشه ای مرگبار دچا رساخته بود از اینسرو به مقابله دیوانه وار علیه فدائیان خلق برخاست. هنوز نخستین روزهای پس از قیام بود که دهها فدائی بدست باندهای سیاه وابسته به حکومت ترور شدند. چیزی نگذشت که زندانها انباشته شد. دستگیریهای گسترده، شکنجه های وحشیانه، چوبه های دار و جوخه های تیرباران، پاسخ ارتجاع حاکم به فعالیت آگاهگران و سازمانگران فدائیان خلق بود. رژیم جمهوری اسلامی نیز همچون رژیم شاه فدائی را آماج اصلی تهاجم خود قرار داد چرا که میدید فدائیان خلق، توده ها را به فرمانی علیه بورژوازی و مرتجعین فرامیخوانند، میدید که کارگران منافع طبقاتی خود را در آرمانهای کمونیستی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران یافته اند. اگرچه در این مقطع خائنین اکثریتی به طبقه کارگر و توده های مردم پشت کردند و راه بندوبست با ارتجاع حاکم را در پیش گرفتند اما "اقلیت" راه پرافتخار فدائیان را ادامه داد. اقلیت با پایبندی به آرمانهای کمونیستی فدائیان شهید و با دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان راه پرفراز و نشیبی را پیمود که علیه رژیم آفت و خیزها ما لامل از مبارزه علیه ستمگران و استثمارگران و عشق به کارگران و زحمتکشان است. طی بیست سال مبارزه بی امان سازمان ما علیه بورژوازی و تلاش برای متشکل ساختن و آگاه نمودن کارگران صدها فدائی شامل رفقای کادر رهبری، اعضا و هواداران سازمان بخا طرفدای آزارمانهای خود، با سری افزایش در مقابل دشمنان ایستادند و مرگ را پذیرا شدند.

در سراسر دوران حیات سازمان، مرتجعین شدیدترین پیگردها و وحشیانه ترین شکنجه ها را علیه فدائیان بکار گرفته اند و بیریحمانه این قهرمانان دفاع از منافع کارگران را کشتار کرده اند، تا مگر روحیه مبارزه جوشی و روزمندی فدائی را در هم شکنند اما زهی خیال باطل! این بربریت و توحش طبقات ارتجاعی حاکم نه فقط نتوانسته اند که خللی در مبارزه سازمان ما پیدا آورد بلکه بلعکس عزم آنرا به مبارزه را سختر نموده است. هر چند طبقه کارگر و سازمان ما صدها رفیق فدائی، صدها تن از پیشروترین و آگاهترین کمونیست ها را از دست داده اند، هر چند صدها خانواده، پدران و مادران، خواهران و برادران، همسران و فرزندان رفقای شهیدمان، بهترین و ارزنده ترین عزیزان خود را از دست داده اند، اما آنها نمرده اند، آنها بعنوان قهرمانان راستین تاریخ بشریت، مدافعین پیگیر رهایی ستمدیدگان و استثمارشدگان، سمبل مبارزه برای انسانی ترین آرزوها و آرمانهای بشریت، زنده اند و تا ابد زنده خواهند بود و راه پرافتخار آنها را هزاران نودها هزار فدائی دیگر ادامه خواهند داد.

در آستانه ۲۵ اسفند روز گرامیداشت شهدای فدائی، با دیگر رفقای شهیدمان بیمان مینیمیم که راه آنها را ادامه دهیم، محکم و استوار به پیش روییم، و پیگیرانه علیه مرتجعین و استثمارگران مبارزه کنیم.

درد و بیقراری بر تمامی رفقای شهید

ننگ و نفرت بر مرتجعین و استثمارگران

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

زنده باد سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)